مسيحیت شرقی؛
کلیساهای، آموزه‌ها و آیین‌های مقدس
کالیستوس ویر
حمید بخشندی

اشانه

در قسمت اول این نوشته، منتشر شده در مجله‌های آسمان، شماره‌بندی محصولات تاریخی مسیحیت شرقی را بررسی می‌کرد. در مقاله حاضر، کلیساهای مسیحیت شرقی، آموزه‌ها و آیین‌های مقدس آن، و نیز برخی نکات دیگر را بررسی می‌کنیم. کلیساهای مسیحیت شرقی به سه مجموعه عمده تقسیم می‌شوند: ۱) کلیسای ارتدوکس شرقی (۲) کلیساهای "جداشده" شرقی (۳) کلیساهای متحد با روم. کلیسای ارتدوکس شرقی را کلیسای یونانی-روسی نیز می‌نامند. کلیساهای "جداشده" شرقی عبارتند از: کلیسای نستوری، کلیسای آشوری و کلیساهای ارتدوکس غیرکالسندی (کلیسای ارتدوکس ارمنی، کلیسای ارتدوکس قبطی، کلیسای ارتدوکس سوری هند و...). کلیساهای متحد با روم، گروه‌هایی از کلیساهای ارتدوکس شرقی و کلیساهای "جداشده" شرقی هستند که با کلیسای روم متحد شده‌اند. آموزه‌ها، عبادات و شیوه‌های الکساندری این مقاله، گرچه عمومی‌تر از کلیسای ارتدوکس شرقی است، یافته، شامل کلیساهای نستوری و غیرکالسندی نیز می‌شود.

*منشیت کتابشناسی این اثر از این فرم است:
در دیل عنوان کلیساهای آموزه‌ها و آیین‌های مقدس مسیحیت شرقی، به بررسی تاریخی و معرفی کلی شاخه‌ای ارتدوسکس از دین مسیحیت پرداخته می‌شود. کلیساهای ارتدوسکس خارج و رهبانی به شمار کلیسای مسیحیت شرقی را می‌توان به صورت عنوان‌های جداگانه‌ای مطرح کرد.

مسیحیت به لحاظ خاستگاه‌های خود، شرقی است. غربی که یک به‌هده فلسطینی بود و در طول سده‌های اولیه شکل‌گیری جایز کلیساهای شرقی پاتریسیا و شرق سریانی در مقایسه با غرب لاتین هم از نظر تعداد فرزندان بودند و هم از لحاظ فکری، نوآوری‌ها و افکار مسیحیت غربی نقش بر جست‌تر یافت و شرق مسیحی بیشتر فشار اجتماعی و اقتصادی و گاهی آزار و اذیت، دچاری شد. با این حال کلیساهای شرقی، اگرچه خود می‌توانند در نوع ایمان و ویژات مسیحی، برداشتی اساساً متفاوت از برداشت مذهب کاتولیک با مذهب پروتستان ابراز داشته‌اند، در حکایت کهنی به سوی وحدت مسیحیان می‌توانند نقش به سرزمین‌های ایفا کنند.

بررسی کلی [کلیساهای]

مسیحیت اولیه از حيث زبان و فرهنگ به سه حوزه عمده تقسیم می‌شود: غرب لاتین، با مرکز اصلی خود در رم; شرق پاتریسیا و ارمنی، با مرکز اصلی خود در قسطنطنیه (= استانبول); کنوتی از سده‌های چهارم و پنجم به بعد؛ و شرق سریانی، با مرکز اصلی خود در اورفای کنوتی در جنوب شرقی ترکیه). به رغم اختلافات جهانی و اندک، هر سه حوزه در ابتدا، فرآیند مسیحی واحد و یکپارچه‌ای بودند. انتقال در سه مرحله، در فاصله‌های زمانی حدوداً یکصد سال به وقوع پیوست.

در سده‌های پنجم و ششم، جهان مسیحی سریانی از مسیحیت پاتریسیا و لاتین جدا شد. در عین حال، مسیحیان سریانی خود به دو گروه توسط یا غیرکلیسلاوی ها تقسیم شدند. غیرکلیسلاوی ها نیز شامل سایر مسیحیان غیرپاتریسیای بودند: بخش‌های (در مصر)، اپیکوریای ها و ارمنی ها. حدود قرن بیستم (برحسن نظر رایج، در 15۴)، کلیساهای ارتدوسکس پاتریسیایی از کلیساهای کاتولیکی را جدا شدند، و در قرن چهارم، جهان مسیحی غرب به دو شاخه کاتولیکی و پروتستان تقسیم شد. این آخرین تقسیم، بر

1. Nestorians
2. non-Chalcedonians
3. the Copts
4. Greek Orthodoxy
شرق مسیحی مستقیماً تأثیری نگذاشت، هر چند در قرن نوزدهم، در مناطقی که به طور مستقیم یک کلیسای شرقی از روم متولد شده بود، چنین گرایشی وجود داشت. همچنین در قرن بیستم، در مناطقی که به طور مستقیم یک کلیسای شرقی از روم متولد شده بود، چنین گرایشی وجود داشت.

می‌توان گفت که کلیسای شرقی از روم متولد شده بود، چنین گرایشی وجود داشت.

برای مثال، کلیسای شرقی رومی در سده‌های باروکی، به طور مستقیم به سوی شرق، به سوی کلیسای شرقی از روم متولد شده بود، چنین گرایشی وجود داشت.

کلیسای شرقی از روم

کلیسای شرقی از روم در سده‌های باروکی، به طور مستقیم به سوی شرق، به سوی کلیسای شرقی از روم متولد شده بود، چنین گرایشی وجود داشت.

1. "separated" Eastern churches
2. Uniate churches
3. monophysite
4. sister churches
5. sacramental communion
6. ecumenical patriarch
مبود، ادعای نمی‌کند. منصب او بیشتر شبیه به منصب استفقر اعظم کاتربری فرقوه آنگلیکان ۱ در سطح جهانی است.

کلیسای التدوکس شرقی امروزه دارای حوزه‌های نفوذ متنوعی است، که در اینجا بر اساس ترتیب سنی حق تقدام نام برده می‌شوند. از این‌رو بهترین حالت تقرب‌اند و تعداد اعضای تعمیدی (تا اواخر دهه‌های ۱۹۸۰) را نشان می‌دهند که اعضایی که فعالانه به انجام تکالیف دینی می‌پردازند. چهار قلمرو سراسقی که حائز حائز بیشترین اهمیت است: استانبول (۵/۵۰۰/۰۰۰) پیرو تعمیدی، استکندریه (۳۵۰/۰۰۰)، انطاكیه (۴۰۰/۰۰۰)، و بیت المقدس (۴۰۰/۰۰۰). رؤسای این چهار حوزه، سراسقی نامیده می‌شدند. قلمرو سراسقی استانبول عمده‌ای شامل یونانیان ساکن کریتا یا یونانیان است که به ایالات منحدر، استرالیا و اروپای غربی مهاجرت کرده‌اند. در قلمرو سراسقی استکندریه، که کل قاره آفریقا در بر می‌گیرد، هیئت استقفاً عمودتاً یونانی است، اما حدود نیمی از مؤمنان آفریقا، کشورهای ساکن کنیا، اوگاندا و تانزانیا هستند. رهبر این کلیسا‌های دارای عنوان رسمي جماعت مسیحی تقیریاً هم‌گی عرب است. بیت المقدس در مقام محسوب هیئت استقفاً یونانی است، اما جماعت مسیحی تقیریاً همگی عرب است. قلمرو سراسقی بیت المقدس در حدودی نفوذ خود در بردارنده گلیسای نیمه مستقل سینائی است. سایر قلمروها سراسقی کلیساهای مستقل ۲ (بعنی کامل) خردادگران) محسوبیت التدوکس شرقی بر حسب تقدیم در رتی دوم قرار دارند: روسیه (۲۵/۰۰۰/۰۰۰)، یونان (۲۵/۰۰۰/۰۰۰)، رومانی (۲۵/۰۰۰/۰۰۰)، بلغارستان (۲۵/۰۰۰/۰۰۰)، لهستان (۲۵/۰۰۰/۰۰۰)، آلبانی (۲۵/۰۰۰/۰۰۰)، کیپ‌وورگان (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) و آمریکا (۲۵/۰۰۰/۰۰۰).

رهبران کلیساهای روسیه، صربستان، رومانی و بلغارستان دارای عنوان سراسقی‌اند. رهبر کلیسای گرجستان (که درباره جایگاه آن در ترتیب تقدیم، اتفاق نظر وجود نداشت) استفقر کل نامیده می‌شود. رهبران سایر کلیساهای با به نام استفقر اعظم ۷

1. Anglican communion
2. episcopate
3. Semi-independent Church of Sinai
4. autocephalous churches
5. Catholicos-Patriarch
6. Archbishop
معروف‌اند (قرس، پیونان، آلبانی) یا به استقفاً پایبند. (لهستان، چکسلواکی، آمریکا).

یکی از مهم‌ترین سه کلیسای آخر گرجستان، چکسلواکی و لهستان، که به‌ویژه کلیسای ارتدوکس در آمریکا و پاریس است. در سال ۱۹۵۷، کلیسای روسیه به این کلیسای ارتدوکس تعلق دارد، در اصل روسی بودند، اما بخش اعظم آنها اینک انگلیسی زبان هستند.

در رتبه سوم از تقدم، کلیسای روسیه که هنوز هم کاملاً خودگردان نیستند، و به جای آنکه مثال خوانده شوند، «خودمنتار» نامیده می‌شوند. این‌ها، کلیساهای فنلاند (۴۶/۴۸/۲۵/۰۰)، و زاین (۰/۰/۰) هستند. در رأس کلیسای فنلاند، وابسته به استانول، استقفاً اعظم قرار دارد. در رأس کلیسای زاین، وابسته به روسیه، استقفاً پایبند است. کلیسای کوچک ارتدوکس چین، که در سال ۱۹۵۷ کلیسای روسیه به آن اعطای استقلال کرد، به نظر می‌رسد که تقریباً به طور کامل در انقلاب فرهنگی اواخر دهه ۱۹۶۰ از بین رفته است.

کلیساهای «چشیزه» شرقی

کلیسای شرقی سوریه (کلیسای نستوری)، که یکی از کلیساهای «چشیزه» شرقی است، از نظر تاریخی از استقفاها و استقلال‌هایی که در از پذیرفتن طوری اف‌ک‌س (۱۳۱۳ م.)، که ساکن مسیحیان آن را سومین شورای جهانی کلیساهای می‌خواند، خودداری کرده‌است. از نظر الیهائی، کلیسای شرقی سوریه بیش از همه تحت تأثیر مکتب انطاکیه، و به‌ویژه تئودور مونسونیا (حدود ۳۵۰-۲۸۵ م.) بوده است. این کلیسای عنوان تئودوسیوس ۲ («حال خدا») را به کار نمی‌برد، عنوانی که شورای اف‌ک‌س به مريم مقدس باکره نسبت داد. همچنین این کلیسای حکم آن شورا را می‌بخشد.

1. Metropolitan
2. Autonomous
3. Teodore of Mopsuestia
4. Theotokos
5. God-bearer
محكومیت [ولی گوت] نستوریوس، یک سلسیس قسطنطنیه را رد کرد.

کلیسای نستوری، با مراکز عمدتاً خود در آمریکا و ایران از قرن پنجم به بعد، تا حد زیادی از مسیحیان تحت حاکمیت بیزانس و تبعیض به میزان بیشتری، از مسیحیان غرب جدا افتادند. مبلغان نستوری به نقاط بسیاری سفر کردند و در عربستان، هند، و سرتاسر شرق آسیا تا چین جواوی مرا به بیان نهادند. اکنون تعداد مسیحیان نستوری به شدت کاهش یافته است و شمار آن از 2000/00000000 نفر بیشتر نمی‌کند. که در عراق، ایران، هندوستان و بیش از همه ایالات متحده زندگی می‌کند. پیش‌واز آن به «اسقف کل کلیسای شرق» معروف است.

همچنین کلیساهای ارتدوکس غیرکلیسیونی در زمره کلیساهای «جداشته» شرقی اند، که مانند کلیسای ارتدوکس [کالسدونی] شرقی نامیانگر پیوند کلیساهای خواهره مستند، هر چند در مورد غیرکلیسیونی ها، شکل نتیجه آمیخته عبادت 7 تنوع گسترده‌تری دارد. غیرکلیسیونی‌ها، که به ارتدوکس مشرقزمنی نیز معروف‌اند، از انور غیرکلیسیونی خواندن می‌شود که شورای کالسدون (251 م) را در می‌کند، شورایی که مسیحیان ارتدوکس شرقی و مسیحیان غربی، آن را چهارمین شورای جهانی کلیساهای می‌دانند. بدين ترتیب، در حالی که کلیسای ارتدوکس شرقی هفت شورای جهانی کلیساهای قبول دارد، که آخرین آنها شورای نیقه دوم (1974 م) است، و کلیسای کاتولیک روم، بهتر و یک شورا را تایید می‌کند، که آخرین آنها شورای واتیکان دوم (1965-1962 م) است، غیرکلیسیونی‌ها تا به حال یک سه شورا را تایید می‌کند: شورای نیقه اول (125 م)، شورای قسطنطنیه اول (381 م) و شورای واتیکان (133 م). کلیساهای غیرکلیسیونی‌های واریز داگران خوانده می‌شوند زیرا برای مسیح، ته با کلیسای سنت پل، مقدس و الهیت خود عمدتاً از سیریل اسکندری (275-354 م) متأثر بوده‌اند.

پنجم کلیسای مستقل غیرکلیسیونی وجود دارد: کلیسای ارتدوکس سوری انطاکیه (200/00000000 یرو) که به کلیسای غربی سوریه یا کلیسای بقیعی علی ویژه معروف است، و در آواز آن، سراسری ساکن دمشق قرار دارد و عمداً در سوریه و لبنان پرورانی دارد;

1. Nestorius
2. liturgical worship
3. Oriental Orthodox
4. Cyril of Alexandria
5. Syrian Orthodox Church of Antioch
6. Jacobite Church
كليسياي ارتدوكس سوريا هند (2000/11) في كه كا كليسياي ارتدوكس سوريا


كليسياي متحد با زم

كليسياي متحد با زم (كاتوليک، شرقی) اگرچه ريست عالیه پاب و سایر تعالیم کليسياي كاتوليک زم را پذيرفتانه، اما اعمال ديني مرسوم و متاسف خود، از قبل اجازه ازدواج به كيشيشان را حفظ كردهاند.

به مواذات اکثریت قاطع کليسياي ارتدوكس پيشگوته، اعم از ارتدوكس شرقی و ارتدوكس مشرقی، كليسياي متحد با زم وجود دارد. بزرگترین گروهها در ميان کليسياي متحد با زم عبارتند از: روتنی ها (شامل اورکایانیه، پیلوترستانیه، ها روس های سفيد) كه در اتحاد شوري (سابق به صورت كليسياي زيرزمي درآمده بودن) اما در خارج از اتحاد جماهير شوري سوسيالیستي بيش از يك میلون پيرو داشتهاند؛ كليسياي مالابار (2000/03/24) که، کليسياي ها (2000/11/03) نيز در لبنان، كه به تنهاي در ميان کليسياي متحد با زم، نظيرى در كليسياي ارتدوكس شرقی و ارتدوكس مشرقی مینادار در مجموع، در بيرو اتحاد شوري (سابق) و روماني، در اوائل دهه 1980 حدود 6/5/000 نفر پيرو كليسياي متحد با زم وجود بودند.

1. Coptic Orthodox Church
2. Armenian Orthodox Church
3. Echmiadzin
4. Ruthenians
5. Malabar Church
6. Maronites
آموزه‌ها، عبادت و زندگی
واژه ارتدوکس، از [در جزء] doxa («درست») و orthos («عقیده»)، اساساً به معنای درست اعتقاد است، اما به معنای تقید و پرستش درست خدا نیز هست. اگرچه این بخش که در باره آموزه‌ها، عبادت و زندگی است، عمداً مربوط به کلیسای ارتدوکس شرقی است، اما بیشتر آنچه گفته می‌شود، شامل کلیساهای نستوری و غیرکالسدونی نیز می‌شود.

روح کلی الاهیت ارتدوکس
پیوند میان اصول اعتقادی و عبادت در آین ارتدوکس، بسیار مورد تأکید است. اصول اعتقاد صرفاً مشغله‌ای علمی یا پژوهشی فلسفی نمی‌باشد، بلکه بیشتر امری باطنی و مرتبط با آیین عبادت به‌شمار می‌آید. الاهیات و عرفان، نه تنها با یکدیگر ضدیتی ندارند بلکه مؤتی و مکمل یکدیگرند. یکی بدون دیگری غیرممکن است... عرفان... کامل کننده و تاج کل الاهیات است... الاهیات در هد کمال است» (ولادمیر لوسکی).

شیوه حفظ بعده عرفانی الاهیات، استفاده از روش‌کردن نفر آمیز یا «سلبی» است: از آن یا که خداوند، رازی در ورای فهم بشری است، نمی‌توان در قابل وارزش یا را توصیف یک که صرف‌می‌توان در سطحی ورای زبان، تصویرها، و مفاهیم عقلی، یعنی از راه پیوند عشق، او را دوکر کرد.

بیماری از متفکران ارتدوکس، برای پیان این واقعیت دو و وجهی که خدا ناشا بخته است و در عین حال شناخته‌شده است، هم متعال است و در عین حال حاضر در همه جا است، از تماشای برهه برده‌ها که گریگوری بالاماس، پیام‌های آبآ قدمی یونانی، میان ذات خدا و افعال خدا مطرح کرد. ذات خدا، که برای مخلوقات غیرقابل شناخت است، دال برتعال و گذرودن تمام عمر اخدا است. افعال خدا، که مانند معلومان در آن سهیم می‌باشد، بیانگر حضور او در همه جا و نزدیک بودن او است. به گفته بازیل قیصر، چرا خدا؟ زیرا افعال او به‌سروی ما باقی می‌مانند، اما ذات او، نزدیک ناشدنی باقی می‌ماند.

1. rightly believing
2. Gregory Palamas
ست مؤسس: منبع ایمان ارتدوکس

از قرن هفدهم به بعد، ارتدوکس‌ها اغلب به گونه‌ای سخت گفتته‌اند که گویی آنان دو منبع دیانت، کتاب مقدس و ست، را پذیرفتند. اما امروزه، یکی از ارتدوکس‌ها این زبان «دوم منبع» را رها کرده‌اند، و کمک‌های تأکیدی می‌کند که کتاب مقدس و ست، یک کل واحد را تشکیل می‌دهد. ست نیز در بردارنده اعضا عمده‌ای از حکام هفته شورای جهانی، مکتب‌های پدران کلیسا، کتاب‌های دعای آین عادی و شمایلها است، اما در عین حال ست، با هر یک از این امور یا مجموع آنها به پایان نمی‌رسد. ست مقدس صرف‌اً مجموعه‌ای از گفته‌های مندرج در استان دینی کتاب مقدس یا انجمن ماکت ملک ارمنی، دومین و استاندارد (متولد 1903)، ست را باید "تجربه زندگی... زندگی بدون وقفه جامعه مسیحی" دانست.

(ست، "حیات روح القدس در جامعه مسیحی... و روح نکته مسیحیان" است ولادیمر لوسکی). "ست صرفاً ضابطه حفاظت کرده قدمی نیست. ست اساساً ضابطه رشد و پازافرینی است" (گورگرس فلوروسکی). هنگامی که ست با این معنای همه‌جانبه و یکسان لازمی نیست، روشی می‌شود که کتاب مقدس را با یاد بودن در چارچوب ست دانست. ست زمینه‌ای است که در آن کتاب مقدس زندگی می‌شود، روندی که از رهگذر آن، حقیقت کتاب مقدس توسط کلیسا در هر نسل پار دیگر تجربه می‌شود.

کلیسای ارتدوکس با بررسی نقادان کلیسای مقدس در موقعیت تاریخی آن مخالفت نیست. بسیاری از ارتدوکس‌ها به نگرشی بنیادگرایانه تماشای دارند، اما کلیسای ارتدوکس به این طریق تلقی محروم نیست. کلیسا اگرچه به‌طور هم‌پیمانه‌ای پژوهش عالمنم را مورد توجه قرار می‌دهد، لیکن آنها را در پروتو تجربه‌ای شبیه از دین همه عوانی که می‌سنجد. قضایت شخصی ممکن است، اما همواره شخص ارتدوکس به عنوان عضوی از جامعه کلیسایی، کتاب مقدس را می‌خواند، و باPENDIX معبر تعیین کننده برای تفسیر کتاب مقدس، "نظر کلیسا" است. سوال اساسی همواره این است که کتاب مقدس چگونه می‌تواند دیدگاه ویدران کلیسا تفسیری‌مرد و چگونه در نیایش آین عادی کلیسا درک می‌شود.

خدا در تثبیث

کلیسای ارتدوکس تمامی آموزه‌های شوراهای اولیه را در باره خدا به عنوان تثبیث دارد...

1. Dumitru Staniloae 2. mind of the church
وحدت، یعنی یک ذاک با سه اقتنوم که (به تعبیر یونانی دمشقی) متصل و در عین حال غیر آمیخته، متمایز و در عین حال غیر منفک، هستند، قول دارد. سه اقتنوم، هم چیزی و با هم ازدیده هستند؛ هر یک تماماً خدا و واقعاً یک شخص است، و در عین حال با یکدیگر یک خدا را تشکیل می‌دهند. بنابراین، آموزه تقلیث فقط موضوعی برای تأمل نظری کارشناسان نیست؛ آن آموزه بی آمدها عملی و در واقع اساسی برای دریافت ما از شخصیت و جامعه انسانی دارد. انسان به صورت خدا، یعنی خدا تقلیث، آفریده‌شده است، و آموزه تقلیث بیانگر آن است که خدا صرفاً جهور فرد، یعنی واحد عاشق خود، نیست؛ بلکه مجموعه سگهای از اقتون‌های الهی عاشق یکدیگر است. از آنجا که انسان به شکل سگهان انگاران به وجود آمد، باید دین ترتیب برای ارتقاء، مشارکت و رابطه متقابل آفریده‌شده است. هیچک از صورتی که از دیگران فاصله گیرد، جدای شود، محبت آن روز و محروم از محبت باشد، انسان حقیقی نیست، بلکه صرفاً انسانی تهی از حقیقت است. بنابراین، رسالت انسانی ما این است که بر روی زمین در همه سطوح، در کلیساهای جهانی اولیه، با بطور کامل تثبیت می‌کند. مسیح تمام‌اً و کاملاً الهی، تمام‌اً و کاملاً برخی است و در عین حال دو شخص نیست بلکه یک شخص است. در تجدید خدا، اقتون دوم تقلیث نه تنها بی‌پرداز برخی بلکه روح برخی بی‌پرداز. از همانند ما تمایلات و احساسات برخی دارد و «درست همانند ما به همه جیب وسوسه می‌شود، اما گناه نمی‌کند» (عیاریان 15:4). با این حال، از این که خدا رستگان باشد، باز نمی‌ایستد. از هم خدا و هم برادر ما است. کلیساهای ارتودوس، بیانات منددر در کتاب مقدس درباره تولد مسیح از مریم بناکه، معجزات او، و رستاخیز جسمانی او را کلیمه به کلیمه

1. trinity-in-unity
2. coeternal
3. monad
4. Nikolai Feodorov
درست می‌داند. خدا از طریق جهات متجسد مسیح، واقعاً بر مایشگر مسیح، با این حال او هرگز به طور کامل مانند شدن نمی‌شود. در همه این روابط‌ها از آبستنت مسیح تا عروج از جهیزی وجود دارد که فراتر از ادراک ما است.

کلیسای ارتدوکس در برداشت خود از کتابه‌گانه انسان، پیوند تکان‌گذاری میان مصلوب شدن مسیح و تجدید او (که قبل از مصلوب شدن است) و رستاخیز او (که پس از مصلوب شدن است) بر عهده می‌کند. همین این‌ها به‌خانی از اگری که ماجرا و اگرچه مفاهیم قدیسان و جایگزینی مجذاب اوراق بخارا از کی بوده، اما نه مانند برادر که متکلمان ارتدوکس ترجیح می‌دهد، اگرچه است که ابرنوا مطرح کرده است: مسیح پیروز، بر روی صلیب بر نیروهای شیطانی فائت آمد. مسیح پادشاه پروزمند ما است، نه بر مدل مصلوب شدن بلوکه به سبب آن: «من اور را پادشاه می‌خوانم، زیرا اور را مصلوب می‌پذینم» (پروتانا زوین دهان).

روح القدس

به تبع تعالیم کلیساهای اولیه، کلیساهای ارتدوکس، روح القدس را به صرفه و صحیح از اوصاف خدا یا نیروی نامه‌ای بدون کمالی متصن، عضو سوم تثلیث و مساوی بودن و پسر می‌داند. وظیفهٔ مسیحی است که حامل روح القدس شود: به تعبیر سرافیم ساروف (۱۷۴۳-۱۸۳۲)، راهب روستی، «هدف واقعی حیات مسیحی کسب روح القدس خداست.» حضور روح القدس برای درک شایسته‌ترین عیانی راهی بزرگ‌ترین دلیل شناختی می‌باشد، اهمیت ریزشی دارد. پس از حکایت شام آخر، لحظه از ترکیب پیوسته این‌ها عبادی شرقی، ورد یا دعای روح القدس، بر هدایای مثبت است. از طریق قدرت روح القدس است که نان و شربت، به جسم و خون مسیح تبدیل می‌شود.

برداشت کلیساهای ارتدوکس از نقش روح القدس را در اهمیتی که به پدر

1. Christ's incarnate life
2. ascension
3. Serafim of Sarov
4. epiclesis of the Holy Spirit
روحانی یا «پیر دلیل» (به زبان یونانی, ἱερός گερόν, یا به زبان روسی, старец) داده می‌شد، مشاهده کرده. این فرآیند که از طریق اهلام مستقیم روح القدس، موهبت تشخیص را به قلوب انسان‌ها و اراده راهنمایی شخصی را دریافت کرده است. به‌نوبه آن‌که از ارتدوکس‌ها مدعی داشتند پیر دلیل از خود هستند، و تقید‌ها می‌گوید پیران دلیل راستی، نادر و کمیاب‌اند، اما نفوذ این‌گونه پیران بر کلیسای ارتدوکس جدید گسترده بوده است. پیر دلیل معمولاً راهب روحتان، اما هم‌زمان‌های این چنین نیستند. او می‌تواند کشیش متأهل یا شخصی غیر منصوب - راهب غیرروحنی، یا فرد عادی - باشد. همان خدمت کشیشی را برخی اووقات، «مادران روحتان»، که راهبه یا زن عادی ای‌ند، انجام می‌دهند.

به رغم جایگاه محوری روح القدس در مسیحیت شرقی اختصاص می‌دهد، بیشتر ارتدوکس‌های معاصر در برخورد با جنسیت پنجاله گرفتا کرامت‌گرا، ملاحظه کرده‌اند. آنان در مورد آن‌چه که به گمانشان، زدنی‌گرایی احساساتی و فقدان متانت مشهور در برخی گروه‌های کرامت‌گرا است، احساس ناشرسندی می‌کنند، و همان‌گونه که در واقع بسیاری در درون جنسیت کرامت‌گرا تأکید دارند، بر این نیز تأکید می‌کنند که «انسان‌ها را پیام‌سپان که آن‌ان از جانب خدا هستند» (نامه اول، باب 4، آیه 2) علیه‌اشک‌های جایگاه مهمی در ممنوعیت ارتدوکس دارد، اما در باره زبان روح القدس،

سخن بسیار انذک گفته می‌شود.

نتایج

نتایج عموماً بر حسب تئوسریس (theosis, خداگونه‌گی) یا «خداشنازی» (به نظر آرورده می‌شود: «خدا انسان شد که ما باوانی خدا شویم» (آتاناسیوس اسکندرانی). این معناوی نفع تمایز میان آفریدگار و آفریده نیست، یا اینکه ما آدمیان هر یک یا هر دوی ویژه خود را از

1. elder
2. priest-monk
3. lay monk
4. Pentecostal or charismatic movement
5. gift of tears
6. glossolalia
7. deification
8. ingodding
در صنعت سده و در «دیاز بی‌نهایت» الوهیت، استحالة» می‌شود. بر عکس، حتی در بهشت آسمان، تمامی میان خدا و بشر ادامه می‌یابد؛ رؤیت روح انگیز «روی در روی»، اتحادی بودن امتراج است.

ناتج از یک همگرا یا معادن (superergea) میان فیض‌الهی و آزادی بشری حاصل می‌شود. بدون فیض‌الهی، ناتج غیرمکن است؛ ما انسان‌ها نمی‌توانیم خود را ناجات بخشنامه اما در عین حال، آینه ارتدوکس بر اهمیت اساسی اختیار تأکید می‌ورد. در کتاب مواعظ مجمعی (اواخر قرن چهارم)، منسوب به مکاریوس مصری، آمده است: «آزادت بر اساس شرطی ضروری است؛ زیرا بدون آن، خدا هیچ کاری نمی‌کند.» آزادی ما در تضعیف هبه‌زدن شده‌ام از بین نرفته است. تویستندگان زیبا گره‌گاه دیدگاه ارتدوکس را چنین بیان می‌کنند: «آزادت بر اساس شرطی ضروری است؛ زیرا بدون آن، خدا هیچ کاری نمی‌کند.» آزادی ما در تضعیف هبه‌زدن شده‌ام از بین نرفته است. یوستینوس غربی گره‌گاه دیدگاه ارتدوکس را چنین بیان می‌کند: «آزادت بر اساس شرطی ضروری است؛ زیرا بدون آن، خدا هیچ کاری نمی‌کند.» آزادی ما در تضعیف هبه‌زدن شده‌ام از بین نرفته است. تویستندگان زیبا گره‌گاه دیدگاه ارتدوکس را چنین بیان می‌کند: «آزادت بر اساس شرطی ضروری است؛ زیرا بدون آن، خدا هیچ کاری نمی‌کند.» آزادی ما در تضعیف هبه‌زدن شده‌ام از بین نرفته است. تویستندگان زیبا گره‌گاه دیدگاه ارتدوکس را چنین بیان می‌کند: «آزادت بر اساس شرطی ضروری است؛ زیرا بدون آن، خدا هیچ کاری نمی‌کند.» آزادی ما در تضعیف هبه‌زدن شده‌ام از بین نرفته است. تویستندگان زیبا گره‌گاه دیدگاه ارتدوکس را چنین بیان می‌کند: «آزادت بر اساس شرطی ضروری است؛ زیرا بدون آن، خدا هیچ کاری نمی‌کند.» آزادی ما در تضعیف هبه‌زدن شده‌ام از بین نرفته است. تویستندگان زیبا گره‌گاه دیدگاه ارتدوکس را چنین بیان می‌کند: «آزادت بر اساس شرطی ضروری است؛ زیرا بدون آن، خدا هیچ کاری نمی‌کند.» آزادی ما در تضعیف هبه‌زدن شده‌ام از بین نرفته است. تویستندگان زیبا گره‌گاه دیدگاه ارتدوکس را چنین بیان می‌کند: «آزادت بر اساس شرطی ضروری است؛ زیرا بدون آن، خدا هیچ کاری نمی‌کند.» آزادی ما در تضعیف هبه‌زدن شده‌ام از بین نرفته است. تویستندگان زیبا گره‌گاه

آدم‌اند نمی‌توانند از طریق یی‌مان، تا نمی‌توانند شخصی و محبت آمیز به مسیحی نجات می‌یابند. در عین حال، یی‌مان نمی‌تواند جدا از اعمال انجامش باشد، زیرا یی‌مان انتخاب‌شده در اعمال مودت آمیز نموده می‌یابد. با این وصف، اعمال ما موجب «شایستگی» می‌نمی‌شود. ما آدم‌اند هرگز نمی‌توانیم در برابر خدا ادعایی داشته باشیم، زیرا نجات همواره عطیه رایگان اوست.

جامعه مسیحی، جماعت قدیسان

کلیسای ارتدوکس در موضوع همدمی زندگان با درگذشتگان حساسیت زیادی دارد. الکسی خومیاکف، (1807-1863)، متفکر مذهبی روسی، در مقاله «کلیسای واحد» می‌گوید: «مما وقوعی که در روستی و کلیسای انگلستان در پنجاه سال گذشته (ویراسته دبلیو. جی)
به‌رغمکه، ۱۸۹۵ درج شد، می‌گوید:

تنها در رابطه با انسان است که توان می‌توان تفکیک جامعه مسیحی را پیدا و پنهان پذیرفت. همیستگی آن در واقع، راستین و کامل است. انسان که در روز خدایان، آنان که در مرحله دینی خود را به پایان رسانده‌اند، آنان که همانند فرشته‌گان، برای زندگی بر روی زمین آفریده‌نشده‌اند، کسانی در نسل‌های آینده که هنوز مرحله دینی خود را آغاز نکرده‌اند... همه در جامعه مسیحی واحد و دقیقاً یکدیگر همیستند. (ص ۱۹۳-۱۹۴)

کل جامعه مسیحی، بهدا و پنهان، با رشته پیوند مبتنی مستقل و وساطت مستقل، متحد باقی مانند. دعا برای درگذشتن جمع به طور منظم در نیایش ارتودوکس‌ها صورت می‌گیرد، اما بیشتر ارتودوکس‌ها ترجیح می‌دهند نسبت به تینی نجومی کمک و دعا به درگذشتن هیچ گونه کششی به عمل ناورند. آنان از اصطلاب برزخ اجتناب می‌کنند. توسیع به قدیسان، به ویژه می‌یابد، نیز چیز اضافی اختیاری به شمار نمی‌آید. بلکه جزء ضروری همة نیایش‌های مسیحیان قلیانی می‌شود، و جنب توسیع به همة دعاها انجام می‌گیرد. شرکت کلیسای نامزی در نیایش زمینی همواره تاکید می‌شود: (آیین نیروهای آسمان به طور نامثوب همراه با ما نیایش می‌کنند) (آیین عشای هدایای بیش تقدیس یافته)، آیین عشای ربانی، دین‌تربیت، ملکوت روز زمین تلقی می‌شود. حضور جمعیت قدیسان، با تمثال‌هایی که در همة به خشای ساختمان کلیسا و نیز خانه‌های ارتودوکس‌ها یافته می‌شود، تقویت می‌شود.

مریم باکره مقدس

در آیین ارتودوکس، مریم مقدس چیزی به وزهای دارد. مسیرگی بولگاکوف (۱۸۱۸-۱۸۷۱) (۱۹۴۴)، الاهیان روسی و مارکوسیست سابقه، می‌نویسد: "اعتقاد به مسیح بدون اعتقاد به زایش عذراپی و تقدیس مادر وی، اعتقاد و مسیحیتی است که از ایمان و مسیحیت جامعه مسیحی ارتودوکس متفاوت است." در دعاهای ارتودوکس‌ها، مریم به صورت زیر خطاب می‌شود: "مایه خجستگی کل آفرینش"، "محترم‌تر از کریستوس و

1. W. J. Birkbeck
2. invocatio of the saints
3. Liturgy of the Presanctified Gifts
4. the Blessed Virgin Mary
5. Sergei Bulgakov
6. Virgin Birth
پی نهایت متّع‌زتر از فرشتگان مقرب» در این تکریم جامعه ارتدوکس به ایشان، به آمیخته با احساس خشوع عمیق است، محبّی خدایان دیده می‌شود؛ محبّی که بپیرایه و آمیخته با تواضع است.

مریم مقدس، «حامل خدا» (theotokos) (431) است؛ ببدین معنا که، انسان ماکب انسان مقرب به خدا نبود بلکه حامل شخصی گانه و تقسیم‌ناپذیر بود که هم خداست و هم بشر، ایشان، «همیشه باکره» (میشان) به ایشان داد. ارتدوکس، این مریم را عفاف محض و پرهیزگار محض، عیان کامل‌آ به دور از گنه و واقعی، آمدن، با این حال عموماً عقیده‌نادارند که او از آثار گاه نخستین (آدم) به دور بود. در گذشته، مسیحیان شرقی برخی اوقات به آموزه مقدس کلیسای کاتولیک زم تعلیق داشتند، اما امروزه این آموزه عموماً مورد است. از سوی دیگر، عروج حضرت مريم‌ آموزهای پذیرفته‌شده در اعتقاد ارتدوکس‌ها است اما بدون خاطر، مطلوب و بلکه ممکن نیست که آن را عقیده جزئی ضروری برای نجات دانست.

شواها

ارتدوکس‌ها کلیسای را مصنوع از خطای کلیسای روزی زمین دچار اشتباه شده باشد و هرگز ممکن نیست چنین امری واقع شود. خطائی اوژنیک و یک فرد خاص مسیحی، خواه پاب با شخص دیگری، بلکه صرفاً یک فرد کل کلیسای عنوان کلیسای مسیح است. اگرچه عقیده عملاً در خارج کلیسای استوار خواهد بود، در مواقع بحث و جدل غالبًا روشین نیست که حقیقت در جیست برترین جمله یا اقتدار کلیسای جهانی کلیساهای است، که اسقف‌های سراسر دنیای مسیحی در آن حضور می‌بایند. در کلی تریا جهانی حقیقی، برگرید بر راز عضویت نجات [هیئتی پرکشیده پس از عید باک] تأکید می‌شود: روح القدس بر اسقفان نازل می‌شود، همان‌گونه که بر حواربان نازل شد، از آن روز احکام عقیدتی ی اسقف‌ها برگشت ناپذیر است. اما در بازنمودن عقاید، اسقف‌ها جداً از بقیه دیداران عمل

1. 'Ever-Virgin' 2. Immaculate Conception 3. bodily assumption of Mary 4. doctrinal decisions
آیین‌های مقدس

از قرن هفتم حضور ارتدوکس‌ها عموماً هفت آیین مقدس، و در واقع، همان آیین‌های مقدس آیین کاتولیک را پذیرفتند. آیین غسل تعمید، که بخشش گناهان و اجازه ورود به کلیسای را به فرد تازه مسیحی اعطان می‌کند، به طور معمول در کوپیکیان انجام می‌شود. این کار با فرورفتن در آب صورت می‌گیرد، مگر در موارد اضطرار و بحرانی که باشیدن آب بر روي پیشانی کافی است.

آیین تهدیه مقدس ۳ معاذاً آیین ثابت در کلیسای گربه است. در تهدیه مقدس، بر پیشانی و سایر عضویت‌های بدن روش مالیهه می‌شود و همراه با آن این کلمات گفته می‌شود: "نشان عطیه روح القدس". آیین تهدیه مقدس معمولاً بالا‌افاصله به از تعمید و احتمالاً به دست کشیش انجام می‌شود؛ اما روغنی که کشیش به کار می‌برد، توسط یک سرآشفت یا رهبر کلیسای مستقل می‌گردد که امام مسائل تعمیدی کلیساهای دیگر عموماً از طریق آیین تهدیه مقدس به کلیسای ارتدوکس پذیرفته می‌شود.

کودکان در اولین فرصت پس از تعمید و تهدیه مقدس، آیین عشای ربایی ۴ را دریافت می‌کنند، و پس از آن به طور منظم به آن آین ارتباط دارند. عشای ربایی، شامل نان و شیراب، با قاشق به مردم عادی داده می‌شود. در گذشته مردم عادی تیم‌بندی که عشای ربایی را دیر به دیر، فقط همه‌ای یا جهار بار در سال دریافت کنند، آن هم پس از آماده‌شدن دقیق از طریق دعا، روزه‌داری، و احتمالاً آیین اعتراف. اما در قرن بیستم، (تنال) عشای ربایی در سپاساری از کشیش‌نشین‌ها، اسم‌میانی، روستی و روستاییان زبان‌تر برگزار می‌شود. آیین قربانی مقدس، یا آیین عشای ربایی، ۴ مراست عبادی اصلی در روز کشیشی است، اما به جز برخی کلیساهای جامع و صومعه‌ها، این مراست به طور معمول هر روز برگزار نمی‌شود. مراست عبادت حدود یک ساعت و ربع (و اغلب

1. council's ecumenicity
2. sacrament of Chrismation
3. chrism
4. sacrament of Communion
5. The Eucharist
6. Divine Liturgy
پیشتر) به طول می‌کشند و همراه با استعمال عود و تشريفات کامل، پیوسته سرود مذهبی خوانیده می‌شود. همراه هیچ‌یک از مراسم عبادت ارتودوکس‌ها، به طور سنتی از ابزار موسیقی به هنگام برگزاری آیین عشای ربانی استفاده می‌شود (اما در غرب به‌ویژه کشیش‌نشین‌ها یک ترکیب از آهنگ‌های مذهبی می‌شود). در این عشای ربانی، آیین عشای قدیس بروحای زرین‌دانه‌ای است. آیین عشای قدیس با نظری‌ات تا حدی طولانی‌تر و ده بار در سال عمده‌تا در شیراز و در عدد بازی نشان از چهاردهندهای بزرگ‌ترین شناخته و به‌ویژه بی‌دشنبه و جمعه مقرر شده است. آیین عشای قدیس یعقوب در پرخبه‌ای در مکان‌هایی در روز‌های بزرگ‌تری در سایر شهرها اجرا می‌شود. در میان این مراسم‌ها مهاجر، تعدادی از کشیش‌نشین‌ها از رسوم مذهبی غربی بر روی می‌کنند.

اعتقاد بر این است که در تقدیس عشای ربانی، نان و شربت واقعاً به بهانه و خوان مسیح تبدیل می‌شود. از قرن هفدهم، برخی نویسندگان ارتودوکس اصطلال استحلاجه جوهری را از کلیسای کاتولیک، جمعاً افتتاح کرده‌اند، اما برای عصر بر یکی از آن‌ها از اقتدار می‌کنند. تصویر می‌شود که وجود ناپایدا دارد و شربت از مسیح ربانی‌های واقع و دائمی است. این آیین به مطابق اعتیاد تناول القربان به بیماران حفظ می‌شود، اما در پرخبه گزار نمی‌شود و در خارج از مراسم واقع آیین عشای ربانی برای طلب خبر برگزار نمی‌شود. ارتدوکس‌ها مسیحی همانند دیدگاه خیر کلیسای کاتولیک، نم ندارند.

آیین عشای ربانی در چارچوب قربانی، به عنوان "قربانی اسرار امیز" با "قربانی بدون خون رنگی" درک می‌شود. این مراسم صرفاً مراسم برگزاری مسیح بر روی صلب نیست، بلکه در عین حال تقدیم قربانی جدید با تکرار قربانی بر روی ایت با جملگنا نیست، زیرا مسیح یک بار و برای همیشه درگذشته. این مراسم بدان معنا قربانی است که از طریق تقدیس عشای ربانی، خود فداپذیری نجات بخش و بنظیر مسیح "باز نمود" می‌باشد و زنده می‌شود. در هر مراسم عشای ربانی، این خود مسیح است که

1. Liturgy of Saint John Chrysostom
2. Liturgy of Saint Basil
3. Liturgy of Saint James
4. eucharistic consecration
5. transubstantiation
6. oblation
7. redemptive self-offering
در استان یونان، آیین اعتیاف، که موجب به‌شکست گناهان و آم.nzیدن می‌شود، با اختیاری و دلخواه است و تصمیم‌گیری در پاره‌تعداد دفعات شرکت در آن اعتیاف با این اعتیاف به وحدان شخس و یا گذار می‌شود. در کلیساهای ارتودوکس اسلاوی در گذشته، شرکت در آن اعتیاف پیش از مراسم عشاء ربانی رسم بود، اما این رسم امکان در بسیاری از نقاط مسلم شده است.

آیین تدبر به‌بیماران به‌زبان یونانی، "آدتیا" (آدتیا) هرگز محدود به افراد محترم بواد است بلکه به هر کس که خواهان باشد، اعطا می‌شود. گمان می‌شود که این آیین رابطه تنگاتنگی با آن اعتیاف دارد. هر در آن، بهبودی می‌دهد، و تدبر به‌بیماران همچون آن اعتیاف، می‌تواند بخشکننده باشد. هر فرد انسان آمیده‌ای از بد و روح است، و باید دلیل بیماری‌های هر دو به‌هم‌بوده باشد.

در آنیت مقام کشیشی، یا مناصب مقدس، مردان بکه کشیشی منصوب می‌شوند تا با خدمات کشیشی خاصی به کلیسا خدمت کنند. این آیین در دو سطح اجرا می‌شود: هم اکنون در کلیساهای ارتودوکس دو "منصب فرعی" رایج، یعنی قاری و کمک شمشاس، و سه "منصب اصلی" یعنی شمشاس، که کشیش و استف قرار دارد. مقام شمشاس اغلب شغل مدیر مادام العمر است. پس فقط مرحله‌ای در مسیر کشیشی شدن. منصب خادمان کلیسا که زنان روزگاری به آن منصوب می‌شوند، مدبر هاکست که در کلیسای ارتودوکس منسوخ شده، اما امروزه بسیاری می‌باشد. با این حال، تقوقعی همگی این اعتیاف‌ها مخالف انتصاب زنان به مقام کشیشی اند. مردان مناهمی می‌توانند شمشاس و کشیش شوند، اما ازدواج بس از انتصاب به منصب شمشاسی روانی‌ست.

اقلیه‌ها لازم است عهد و سرگرم رهبانی را رعایت کنند. آیین ازدواج، همانند کشورهای غربی، با مبکر کردان انگشت‌ها آغاز می‌شود، اما نقطه‌ای اوج آن آیین، هنگام نهادن تاج بر سر داماد و عروس است. تاج آیس، تاج شادمانی و

1. celebrant
2. Anointing of the Sick
3. sacrament of Priesthood
4. Holy Orders
5. subdeacon
6. deacon
7. order of deaconess
8. monastic vows
نیایش در منزل

رسم انجام نیایش‌های خانوادگی، گرچه نسبت به گذشته کمتر عمومی‌تر دارد، اما در
دنیای ارتدوکس معاصر هنوز هم بقایی است. در خانه هر ارتدوکس به طور سنتی گذشته یا
تاجقهره‌ی برای فرزند و وجود دارد که در جلوی آن چراگاهی روش نیایش است. عوام به کار
می‌روند و دعاها خانوادگی خوانده می‌شود: در اینجا، همانند کلیسا، نیایشگر
ارتدوکس مفهوم «ملکوت روز زمین» را احساس می‌کند. از طریق دعاها و تجدید بیان
مزروع، محصول، رم‌گو، و گله‌ها، سلسله نیایش‌های سال مسیحی تمامی‌اکنون با زندگی اهل
خانه و جرخه‌کشان‌رژی زمین پیوند خورده است. کتاب نیایش‌ها در

1. adultery 2. Epiphany
3. anointing of a monarch
برداشته نياپيشهاي است برای بذرافشاني، خوبنكنی، و شراب سازی، ترهیا نو ماهیگیری و حتی تميز کردن کوزه‌ای که در آن موشی افتاده باشند. عبادات ارتدوسک‌ها آخرينينانه و در عين حال همگاني و عملي است.

روح كلي عبادات مشخصه عبادات ارتدوسک‌ها، در بهترین حالت آن، روح دوگانه رازآمیزی و سادگي است. در مراسم مذهبي، احساسات از خشمت و تحير در برابر حضور به واسطه خدا وجود دارد، و همراه با آن، شخص احساس نبود تشریفات و آزادی می‌كند. نيايشگر همچون کودک در خانه پدر خود رفتار مي‌كند، نه مانند سرباز در میدان رژه. در برخی مکانها، استفاده از نيمکت رواج دارد، اما به طور عادي در قسمت اصلی کلیسا، صندلی‌هاي نابي وجود ندارد. اعضای جماعت عبادت كننده ممکن است در نزد يک زودتر كليسا را ترک كنند. آنان مي توانند در حين احترام‌گذار به شماييل در طول مراسم مذهبي حركت كنند یا به شرط آنها دعاي دیگران را برهم زنند. هم‌اکنون همزمان نمي ايسند، يا زانو نمي زند. با وجود اين تنوع در حالت شرکت در يايش، و با وجود آنکه سروالهاي معمولاً فقط به وسيله گروه همسرانيان انجام مي‌شود، نيايش مراسم نماز ارتدوسک‌ها هرگز از ويزگي دسته جمعي بودن باز نمي‌يسند. در سرتسار تاريخ مسيحيت شرقی اين معمول بوده است كه مراسم مذهبي به زبان مردم بی‌گزار شود.

هر جند برخى اوقات به شکل قديمي انجام ميشد.

نقاطه اوج سال مسيحي، عيد پاك (عيد قيام مسيح) است، نه عيد ميلاد مسيح.

گرامیداشت رستاخيز مسيح، نيز در نيايش شنبه و صبح های يكشن خورت مي‌گيرد؛ روح نيايش مراسم نماز كليساي شرقي، سنت‌هاي آمیز است و ويزگي بارز آن، احساس لذت زندگي درباره است. روزه‌داري و پره‌گيزي از قرون وسطي تاکنون نسبت به غرب بسيار شديدتر بوده است. نسيم‌هاي ارتدوسک تقويم جديد یا كريگوري را كه در غرب مراحل مي‌شد، پدي افتادند، در حالی که كليساي بیت المقدس، روسيه، صربستان و لهستان، همراه با ايشيه جزيره آتوس هنوز هم به تقويم قدمي، يا

1. awe and wonder 2. Pascha 3. Easter 4. celebration of Christ's resurrection
یولیانی، که سیزده روز از تقویم گریگوری تأخیر دارد، پایتختی.

ارتدوکس‌ها، به سبب استفاده از نمادهای مادی و حرکات بدئی نمادین، حداکثر
مجال را برای جنبه مادی عبادت فراهم می‌سازند. مؤمنان به واسطه استفاده‌ای مکرر از
علامت صلبی، رکوع‌ها با سجده‌های طولانی بر روی زمین، و روزهداری‌ای با دند خود در
عبادت شرکت می‌کنند. هنگام اعتراض، کنشی‌های تری در گذشتگی می‌شود و همه برای «آخرين
بوسیدن» به شخص متوفای تنگیده می‌شوند. جنبه مادی نشانه‌های آینی از طریق
مثال، استفاده‌ای از آب هنگام خوردن برای غسل تعمید تأکید می‌شود. نام
آیین عشای ربانی همیشه وآمده است و شرایط آن همیشه سرخ است. آب داغ یا در
زبان یونانی، «ژئویون»، 'بلافصل' قبل از آین عشای ربانی افزوده می‌شود، و به همه نان و
شراب داده می‌شود. روند در شبه‌زندیه داریای اعیان بزرگ تبرک می‌شود و برای
تنهای بیکار می‌روید. رودها و دریاها در عید تجلی تبرک می‌شوند و انگور در عید
استحلاجه جوهری (مشم شور) تبرک می‌شود. عبادات صرفه‌ای ذهن و موش نیست.

این دستور پولس رسول که «پیامده دعا کنید» (اور تسالونیکیان، باب 5، آیه 17)
عمیقاً بر شرق مسیحی تأثیر گذاشته است. عبادات را نباید تنها سلسله اعمالی دانست که
بی صورت گرودی در کلیسا یا به صورت انفرادی در منزل انجام می‌شود، بلکه به معنای
زرفتی حالتی است که باید تداوم یابد، نه مثل کاری که هنگام انجامش می‌دهم بلکه
مثل کاری که هم لحظه انجامش می‌دهم، بعنوان عبادات پراکنده ببخش اصلی نفس
خود ما. تیایش عیسی، که در دندانه‌ای محدود به محافظ رهبانی بود و امروزه بخش
از این در میان مردم عادی رواج گسترش یافته است، غایب یافتنی فراهم سازی چنین
حالت مستمری است. مقصود ما از عبادات، همان‌گونه که باید اهل قیصره اظهار
می‌دارد، آن است که «همه زندگی ما، به یک نماز دائمی و اقطاع ناپذیر تبیلیشود».

امور اخروی

شرق مسیحی، در الاهیات و عبادات خود بسیار آخترگرا است. مرحله‌ی زندگی

1. Julian calendar 2. zeon
3. the Jesus Prayer 4. eschatological
بعد‌ی نه تنها به عنوان روبداری در آینده بلکه به عنوان واقعیتی کنونی که همیش حاکم از طريق تمدید و تدارک در آن شرکت داریم، همواره یادآوری می‌شود. در پایان دنیا، مسیح با عزت و سرافرازی بازخواهند گشت و مردگان زنده خواهد شد و به دنبال آن، روز جزا برای خواهد شد. رابطه دقیق میان بدن ما در وضعیت فعلی آن و بدن رستاخیزی ۱ ما چیزی نیست که در این برهم بتوان با روشنی درک کرد، اما بنا بر دیدگاه مسیحی، انسان حقيقی روح تنها نیست بلکه روح دارای بدن است. بنابراین، جدایی روح و بدن در هنگام مرگ صرفاً موقعی است و در زنده قرار دارد به هم می‌پیوندند. از آنجاکه انسان‌ها از نمای اختیار برخوردند، از مهندس مسیح مستمر از درگاه‌های الهی تلقی می‌شود - به عنوان رخدادی نهایی تحقق می‌یابد و همه‌گیرانگاری ۲ این اعتقاد که در نهایت همه افراد نجات قطعی خواهد یافت، به عنوان بدعت توسط شورای قسطنطینی (۵۵۳) رد شد. اما از آنجا که خدا در عشق خود، پایان‌ناپذیر و به نهایت صبور است، این امید منطقی است که در نهایت همه مردم آزادانه اعتقاد به خدا را برخواهد گزیده، به گونه‌ای که او حقيقة‌تاً "کل در کل" ۳ خواهد بود (أول قرنطین، پاب ۱۵، آیه ۲۸). اما کمال نهایی پایان هستی، رازی در فراسوی ادراك کنونی ما است.

1. resurrection body
2. soul embodied
3. Universalism
4. all in all